



تاکید و قصر در زبان فارسی

(۴)

تأکید قید

مواردی که برای تأکید صفت گفته شد برای قیدهایی که با صفت بیانی مشترکند نیز صادقست از قبیل تفضیلی و عالی کردن قید و یا بکار بردن اسم به جای قید مانند: زودتر آمد، هرچه زودتر حرکت کن، او سلامت رسید.

علاوه بر این بعضی از اینگونه قیدها را امروز در گذشته و حال با «به» و «از» تاکید می کنند مانند: بناچار و بناگاه و بناحق و بناروا در امروز و بناگاهان و از ناگاهان و از ناگه و بیکباره و دهها مانند آن در گذشته.

همچنین قید و گروههای قیدی را گاهی با هم تاکید و قصر می کنند مانند: هم امروز، هم اینجا، هم اکنون، در قدیم این شیوه بیشتر معمول بوده است مانند هم در شتاب وهم در حال وهم اندر زمان. امروز به جای هم بیشتر همین بکار میبریم مانند «در همان شب» به جای «هم آن شب»

در قدیم افزودن پسوندهای قیدساز از قبیل «دوار» به قیودی که احتیاجی به آن نداشته اند مفید معنی تاکید بوده است مانند: زاروار، گستاخوار، مستوار به جای زارو

* آقای دکتر خسرو فرشیدورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب نظران

دانشمند.

گستاخ و مست.

نباید که بر دست او زاروار
می‌فتی اینسو و آنسو مست‌وار
شود کشته گرگین در این کارزار (فردوسی)
ای تسو زینسو نیستت آنسو گذار

(مثنوی دفتر سوم ص ۴۱۵ چاپ سی و نهم)

چون شب درآمد گستاخ وارد شدند و بارخواستند (اسکندرنامه)

که زارو گستاخ و مست بدون «وار» نیز به صورت قید بکار می‌روند مانند:
گر چه میگفت که زارت بکشم میدیدم
که نهانش نظری بامن دلسوخته بود (حافظ)

مست بگذشت و نظر بر من درویش انداخت

گفت کای چشم و چراغ همه شیرین دهنان (حافظ)

صد بار و هزار بار، چند و چه (به معنی چقدر) در امروز و چون در قدیم از قیدهای

تعجب و مقدار بوده‌اند.

چه خوش گفت زالی بفرزند خویش
چو دیدش پلنگ افکن و پیلتن (سعدی)

عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوشست

عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما (حافظ ص ۹۰)

گل از چه سخت نیکو بود و پر بار
رخ رامین نکو تر بود صد بار

(ویس و رامین ص ۱۰۸ تصحیح مینوی)

گاهی قیدهای تأکیدی خود دم‌مؤ کنند.

هر که چون بی بصران صحبت دونان طلبید
سخت بسیار بلاها کشد از بی بصران

(سنائی ص ۲۳۶)

اینک بسیار در خطر افتی (طرسوسی ص ۸۰)

نیک بسیار بگفتم در این باب سخن
واندکی پیش نگفتم هنوز از بسیار (حافظ ص ۱۷۱)

چند بار دیدم که بر نشست روزهای سخت سرد و برف نیک قوی و آنجا رفت و شکار

کرد (بیهقی به نقل از سبک شناسی ص ۴۲۸ ج ۱)

وسوی با کالیجار نامه‌ای بود در این باب سخت نیکو بغایت (بیهقی نقل از سبک شناسی)

تأکید فعل

علاوه بر موارد عام تأکید، فعل را با این وسایل نیز میتوان تأکید کرد:

۱ - در قدیم با پیشوند «به» که گاهی بر تأکید دلالت می‌کرده است:

اما در میان کاری بزرگ شده بود نیکو بنشود و قضا چنین بود (بیهقی ص ۶۲ س ۹)

با که و تکرار مانند: رقتم که رقتم

۲ - با همی و می در قدیم - همی و می در قدیم گاهی بر تأکید دلالت می کرده است بخصوص و تیکه با فعل امر می آمده است:

نه همانا که جهان قدر تو دانست همی لاجرم نزد خسر دمنند ندارد مقدار

(فرخی چاپ خطیب رهبر ص ۱۹)

میفکن در صفر ندان نظری خوشتر از این بر در میکرده میکن گذری خوشتر از این (حافظ)

۳ - به وسیله قیود و گروههای قیدی تفضیلی و عالی مانند بهتر کار کرد ، شدیدتر حمله کرد، به بهترین وجهی کار کرد، هر چه سریعتر حرکت کرد.

۴ - به وسیله قیود و گروههای قیدی که بر کمال و کلیت و دوام دلالت می کنند مانند همیشه، دائم، همه جا و غیره .

۵ - با قیدهای پیشوندی - قیدهای پیشوندی، فرا، فرو، بر، در، فراز و غیره گاهی

بر تأکید دلالت می کرده اند و معنی دیگری جز تأکید نداشته اند.

مانند فرو کوفت پیری پسر را به چوب (سعدی) یا مانند بر شمردن ، در رسیدن ،

در ایستادن .

۶ - به وسیله قیدهایی که از کلمات مکرر ساخته می شدند و بر استمرار و ادامه دلالت

می کنند مانند: پدر بر پدر، دوزخ دوزخ ، کشتی کشتی عمان عمان:

میرفتم و خون دل را به راهم می ریخت دوزخ دوزخ شرر ز آهم می ریخت

می ده به من ای ترک صنم کشتی کشتی تا زایدم از طبع گهر عمان عمان

۷ - از میان افعال، امر و نهی و فعل تأکیدی بخودی خود مؤکند مانند:

مده ای طبیب پندم که دو انمی پذیرم (سعدی) «برود خانه» فعل تأکیدی (برود) اگر

با «باید» همراه تأکیدش بیشتر است مانند : باید برود.

۸ - به وسیله قسم که در فارسی خود نوعی گروه قیدیست مانند - بخدا ، به جان تو.

بخدا که گر بمرم ز تو دست بر نگیرم ، به خاک پای تو کانهم عظیم سو گندیست

۹ - به وسیله بعضی از مفعول مطلقها - در قدیم بعضی از مفعول مطلقهای نوعی

که صفاتی داشته اند که بر تأکید دلالت می کرده اند و موجب مؤکند شدن فعل میگردیده اند

موصوف این صفتها غالباً مصدر و هم ریشه فعل بوده است و گروه قیدی بشمار میرفته

است مانند: حقا که او را عذاب کنم عذابی سخت (کشف الاسرار ج ۷ ص ۱۹۹)

در فارسی امروز مفعول مطلق به شیوه ای که در قدیم دیدیم استعمال نمی شود بلکه

با چه بکار می رود مانند: رفت اما چه رفتی.

۱۰ - با فاصله افتادن بین «نه» و فعل در قدیم : هر که را خانه نه اینست بازی نه این

است (سعدی)

نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند نه هر که آینه دارد سکندری داند (حافظ)

۱۱ - بکار بردن مضارع به جای امر ونهی بخصوص اگر با واژه‌ها و اصوات تنبیه و تعذیر مانند «مبادا» و «تا» و «نگرتا» و «هان» همراه باشند اینها رامی‌توان امر یا نهی مؤکد نامید مانند: مبادا به جنگل بروی یعنی به جنگل نرو. همین امروز بری آنجاها تا تطاول نپسندی و تکبر نکنی که خدارا چو تودر ملک بسی جانورند (سعدی)

نگرتا نگر دی بگرد دروغ (فردوسی) هان تا سپر بیفکنی از جمله فصیح (سعدی)
۱۲ - جمله‌های پیروی که فعل و جمله را تأکید می‌کنند. اینگونه جمله‌ها ممکنست با هر چه، آنقدر که، هر قدر که، از آنگونه که، چنان که، بطوری... که، تاجائی که، خواهی نخواهی، چه... چه و غیره همراه باشند. مثال

گر چه وصالش نه بکوشش دهند هر قدر ای دل که توانی بکوش (حافظ ص ۱۹۲)
مکن عتاب از این بیش و جور بردل ما مکن هر آنچه توانی که جای آن داری (حافظ ص ۳۱۰)

که فردات از آنگونه سازم خورش کزو باشدت سربسر پرورش (شاهنامه ۱۹ ص ۱۳۱)

تاکید صوت

شیوه‌های اختصاصی تأکید صوت عبارتند از:

یکی با پسوند «۱» مانند - دریغا، دردا، خوشا.

دیگر با «ای» مانند - ای دریغ، ایداد، ای خوش.

سوم با «ای» و «۱» مانند - ای دریغا مرغ کارزان یافتم (مولوی)

وابسته ساز (حرف اضافه) تأکید وابسته ساز (حرف اضافه)

وابسته ساز حرف اضافه: امروز بیشتر بوسیله اسم مکسور تأکید می‌شود یعنی اسمی بعد از

وابسته سازی آید و گروه وابسته سازی سازد مانند بوسیله، بسبب، به علت، از واسطه، مثال:

بوسیله هواپیما رفت. تنم از واسطه دوری دلبر بگداخت (حافظ)

این گروهها غالبا جانشین وابسته سازهایی می‌شوند که معنی آنها ضعیف شده و

نیاز به تقویت معنی دارند مانند: به منظور و به عاتق به جای برای و از.

طرق خاص تأکید پیوند از اینقرار است:

۱ - بوسیله «که» مانند: اگر که، مگر که، چونکه، هر چند که، الا که، یا که،

چنانچون در قدیم.

۲ - بوسیله «اینکه» مانند: یا اینکه، مگر اینکه، الا اینکه، تا اینکه.

تأکید جمله

چون فعل رکن اصلی جمله است بنا بر این طرقتی که برای تأکید فعل گفته شد برای تأکید جمله نیز صادقست ولی علاوه بر آنها از این وسایل نیز می توان برای تأکید جمله بهره جست:

۱ - قیدهای خاص تأکید جمله - این قیدها عبارتند از : البته، برآستی، بی شبهه ، بی چون و چرا ، درست، آخر - بعینه ، عینا، ناچار، گوئی در امروز همانا، ودرستی ، راست، درست و راست بکل الوجوه . توگفتی ومانا وغیره در گذشته مثال:

امشب برآستی شب ما روز روشن است (سعدی) جهان پیمانہ را ماند بعینه (خاقانی) این قیدها و گروههای قیدی برای تأکید جمله منفی بکار می روند : هرگز ، هیچ ، بهیچ وجه و غیره در عصر ما وایچ وپرگس و پرگست و بهیچ تاویل و بهیچ روی، حاشا و حاشاکه و هیهات و مانند آنها در قدیم . همچنین قیدهای مؤکدی که جانشین جمله می شوند مانند: آری آری، نه نه، نی نی، هرگز .

۲ - تأکید بوسیله صوت - اصوات بر احساسات شدید دلالت می کنند بنا بر این اکثر جنبه تأکیدی دارند بخصوص این اصوات:

الف - اصوات تحذیر مانند، مبادا، الامان، الحذر در امروز و هان و هین و زنهار و مانند آنها در قدیم.

ب - اصوات تحسین مانند: آفرین، به به و مانند آنها در زمان ما وزه، زهی، خهی، حبذا، فری، فریش، لوحش الله وغفالك الله وغیره در گذشته.

ج - اصوات تعجب و شگفت مانند: عجب، وه، شگفتا، زهی وغیره.

۴ - اصوات مخالفت و انکار مانند: نه، هرگز، حاشا، استغفر الله، نعوذ بالله، سبحان الله پر کس، وپرگست و هیهات وغیره. پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
بنابر این جمله ای که با اصوات می آید مؤکد است مانند : حاشاکه من به موسم گل ترك می کنم (حافظ) .

۳ - باید و لازمست وغیره، این فعلها و گروههای فعلی نیز جمله را تأکید می کنند مانند: باید رفت، باید نشست، باید برود.

۴ - با استفهام انکاری - گاهی سخن منفی را بصورت استفهام می آورند مانند: ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا (حافظ) یعنی هرگز و البته چراغ مرده مثل آفتاب نیست.

استفهام انکاری از نفی تأکیدش بسیار بیشتر است بنا بر این یکی از راههای مؤثر

تأکید جمله منفی آنست که آنرا به صورت استفهام انکاری بیاوریم.
گاهی استفهام انکاری وقتی که با قیدهای آخر و پرگس و هیهات و استغفرالله و عفاك الله و غیره بیاید مؤکدتر می‌شود و تأکید کلام به اوج خود می‌رسد:

مهر از تو دل بریده هیهات کس بر تو دل گزید حاشاک (کلیات سعدی ۶۳۹)
یکی گفتش آخر چه خسبی چو زن بسر پنجه آهنیش بزَن (کلیات سعدی ص ۲۳۰)
گاهی استفهام انکاری با باید تأکید می‌شود:

ترادایه گرم مرغ باشد همی پس این پهلوانی چه باید همی (شاهنامه ص ۱۳۶)
گاهی استفهام انکاری معادل نهی است و در این صورت تأکید آن بیشتر است از اینرو با فعل امر یا نهی دیگر هم نشین می‌گردد.

مبین بسبب ز نخدان که چاه در راه است کجا همی روی ایدل بدین شتاب کجا (حافظ)

۵ - ندا - جمله‌های ندائی اگر بر هیجان و احساس تند دلالت کنند یا تشویق و استغاثه و دادخواهی و اغرا و اظهار تحسیر مانند آنها را برسانند کلامی تأکیدی بشمار می‌روند مانند: زینهار ای دوستان جان من و جان شما (اغراء) خدایا بدادم برس (استغاثه و دادخواهی).

ندا در شعر فارسی و عربی غالباً با اادات تنبیه و تحذیر از قبیل الا وهان تو اُست و در این حال تأکید آن بیشتر است مانند: الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها... الا ای خردمند پاکیزه خوی

۶ - جمله‌هایی که با این پیوندها (حرف ربط) و گروه‌های پیوندی و قیود پیوندی به هم مربوط می‌شوند جنبه تأکیدی دارند: همچنین نیز هم، هم، نه... نه، یا... یا. نه تنها بلکه، نه... پس، نه تنها... پس، نه بر استری سوارم نه چو خر بزیر بارم. هم می‌آید هم می‌رود، دردم از یارست و درمان نیز هم.

۷ - جمله‌هایی که در آنها اغراق یا مبالغه یا غلو بکار رفته است:

فرو شد به ماهی و بر شد به ماه بن نیزه و قبه بارگس (فردوسی)

شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب (فردوسی)

برای دیدن موارد دیگر تأکید جمله به مقاله «جمله‌های تأکیدی در زبان و ادب فارسی»

رجوع کنید در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شماره ۱ سال ۲۲

بهار ۱۳۵۴.